◄ احمد غلامی: حدود ۷۵۰سال از انتشار کتاب دگرگونی بزرگ نوشته کارل پولانی می‌گذرد. به‌نظر شما بعد از گذشت این همه سال، آیا تفکرات و نظرات او برای اقتصاددان سیاسی تازگی و کارآمدی دارد؟

انتشار این کتاب می‌تواند برای جامعه دانشگاهی فارسی‌زبان خیلی مفید و مغتنم باشد. آن نکته‌ای که جنابعالی اشاره فرمودید فقط اختصاص به این کتاب ندارد و اگر کسی به قبل برگردید می‌بینیم وقتی آموزه اقتصاد بازار توسط اقتصاددان‌های کلاسیک صورتبندی نظری شد، تقریباً عصر نوین واکنش‌های انتقادی به آن ایده‌ها از همان زمان‌ها موضوعیت پیدا کرد، اما آنها هم به نظام‌های رسمی آموزشی راه پیدا نکردند، به‌طور مشخص می‌شود به دیدگاه‌های مکتب تاریخی آلمان اشاره کرد. برخی نظریه‌پردازان بزرگ توسعه به‌صورت مستند ادعا می‌کنند از روز اول انقلاب صنعتی تا امروز حتی یک تجربه موفق توسعه وجود ندارد اما لابد که از رهنمودهای اقتصاددان‌های مکتب تاریخی استفاده کرده باشند. بنابراین وقتی چیزی از منظر عملی در این سطح راهگشا باشد، آنگاه به نظام آموزشی رسمی راه پیدا نکند، طبیعی است که کتاب کارل پولانی هم حکمی شبیه به آنها پیدا می‌کند. اما اگر بخواهیم بدانیم چرا این روزها به این نوع کتاب‌ها اقبال بیشتری گردیده از دو زاویه می‌شود به آن مسئله را توضیح داد: یک زاویه برمی‌گردد به موضع فکری نسبتاً مستقل کارل پولانی. در این کتاب او با یک الگوی روش‌شناختی نسبتاً یکدست و با رعایت انصاف همان شکلی که به اصطلاح در چارچوب ملاحظات جنگ سرد، از دوگانه اقتصاد بازار را و همین‌طور دیدگاه‌های رقیب را که مثلاً اتحاد شوروی سابق نمایندگی می‌کند، مورد انتقاد قرار می‌دهد و انصافاً نقدهایش هم بسیار مصفانه و هم اغلب بسیار عمیق است. انتقادهایی که در کتاب دگرگونی بزرگ مطرح می‌شود را در زمان نگارش و انتشار، خیلی معنی دار و فوری‌ترین معنای آن را می‌توان به کپ سی سوسیالیسمی که در اتحاد شوروی و کل بلوک شرق سابق وجود دارد چهره انسانی نداشته و البته دیوبکت می‌خواهد این را بگوید. من آنجا این را مطرح کردم که وقتی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هم می‌گویند: بچه‌ای این برنامه تعدیل ساختاری کلاسیک بلد به سمت برنامه تعدیل ساختاری با چهره انسانی بروید، خود به خود پذیرفته‌اند که پس آن برنامه تعدیلی که تا ۱۹۸۷ اجرا می‌شده چهره غیرانسانی داشته است. به نظرم امتیاز بزرگ پولانی این است که اولاً از ایده‌ها دوری می‌کند و از ایده‌ها می‌کند و تنها به نقد می‌کند و ثانیاً نگرش او در کتاب «گفتار در روش دکارت» آمده: ما آگاهانه اما به‌صورت اعتباری و قراردادی این وجوه را از همدیگر تفکیک می‌کنیم. هدف از این تفکیک این بود که به شناخت عمیق‌تر دست پیدا کنیم. اما به اعتبار آن دستاوردهای خلاق‌العاده‌ای که این تفکیک وجوه مختلف پدید آورد دیگر مطلق انگارانه نگسست‌اختی به‌تدریج در بین نحله‌های مختلف در قلمرو آموزه اقتصادی موضوعیت پیدا کرد. بحث پولانی در این کتاب این است و دوباره گوشزد می‌کند که این تفکیک اعتباری و قراردادی است و اگر نادیده گرفته شود آن کلیت یکپارچه وجود اجتماعی انسان، از ناحیه این نگرش نکساختی می‌تواند فاجعه‌آفرینی کند که کرده است. اما اگر بخواهیم این ایده را به تحولات امروز اگر هم نسبت بدهیم من شما را احاج می‌دهم به کتابی در سال ۹۶ منتشر شد برادر ارجمند جناب دکتر محسن آرمین در سال ۹۶ با من تماس گرفتند و گفتند ما می‌خواهیم کتابی دربیاوریم که هرکس از زاویه نگرش و تخصص خودش پدیده خود خرداد را توضیح بدهد. این کتاب که بعدا منتشر شد، حاوی ۱۵،۱۰۰ گفت‌وگو و مصاحبه و نیز مقاله‌ای نگارش یافته بود که تحت عنوان بیوهیم و امیدها و بر قالب یک کتاب انتشار یافت. در آنجا مقاله‌ای نوشتم و ایده‌ای را مطرح کردم که اولاً بار یل ساموئلسن زاویه‌نظورات نظام سرمایه‌داری را مطرح کرده که اولاً بار یل ساموئلسن می‌خواست بگوید که ما در کلیت نظام سرمایه‌داری بار ارزش را از دوش انسان برداشته‌ایم. این خودسازماندهی بودن بازار و ارزش‌ها